

رابطهٔ مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی*

Relationships between Religious Orientation, Death Anxiety & Sensation Seeking *

Esfandiyar Heydari,  M.Sc.

Fatemeh Khalili, M.Sc.

Mohammad Karim Khodapanahi, Ph.D.

اسفندیار حیدری**

فاطمه خلیلی شرفه**


دکتر محمدکریم خداپناهی***

Abstract

This study explores the relationships between religious orientation, death anxiety and sensation seeking. 360 undergraduate and graduate students from Shahid Beheshti University were chosen according to convenience sampling. Subjects completed the Allports Religious Orientation Scale, the Templers Death Anxiety Questionnaire, and the Zukermans Sensation Seeking Questionnaire (form 5). Having used Pearsons correlation coefficient, multiple regression analysis, and t-test, the following results were reported: 1. Religion has negative relation with death anxiety and sensation seeking (bordon acceptance, inhabitation escaping and experience seeking). 2. Internal religious orientation has nagative rlation with death anxiety and inhabitation escaping; also death anixety is the most predictable factor for internal religious orientation in comparison with inhabitation escaping ($p < .01$) 3. External religious orientation has negative relation whith

چکیده

این مطالعه به بررسی رابطهٔ جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی می‌پردازد. برای اجرای این پژوهش تعداد ۳۶۰ نفر نمونه با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پرسشنامه‌های جهت‌گیری مذهبی آلپورت اضطراب مرگ تمپلر و هیجان‌خواهی زا کرمن فرم ۵ را تکمیل نمودند. نتایج حاصل نشان داد که ۱. جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ کمتر ($p < .05$) و گریز از بازداری کمتر ارتباط دارد ($p < .05$). ۲. جهت‌گیری مذهبی بیرونی با هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های تجربه‌طلبی گریز از بازداری و ملال‌پذیری رابطهٔ منفی دارد ($p < .05$). ولی رابطه‌ای بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ بدست نیامد. ۳. رابطه معناداری بین اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی بدست نیامد. ۴. پسران و دختران در متغیرهای جهت‌گیری مذهبی (بیرونی و درونی) و هیجان‌خواهی تفاوتی ندارند اما در متغیر اضطراب مرگ و گریز از بازداری متفاوت می‌باشند. پسران گریز از بازداری بیشتری نسبت به

* Faculty of Education & Psychology, Shahid Beheshti University Tehran, I.R. Iran. 
e_heidari2@yahoo.com Tel: (+98) 917 381 34 42

* دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۹/۲۰، تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۲/۲۳
** کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی
*** گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

sensation seeking and experience seeking, inhibition escaping and boredom acceptance ($p < .01$). Moreover, inhibition escaping is the most predictable factor among the other factors. However, no relation between external religious orientation and death anxiety was obtained, 4. No meaningful relation between death anxiety and sensation seeking was obtained, 5. There were no differences between boys and girls in terms of religious orientation, (external and internal) and sensation seeking, but there are gender differences in death anxiety and inhibition escaping: Boys have more inhibition escaping than girls, while girls have more death anxiety than boys, 6. The graduate students have more internal religious orientation than undergraduate students ($p < .05$) and also have less sensation seeking ($p < .01$).

Keywords: internal religious orientation, external religious orientation, death anxiety, sensation seeking.

دختران دارند ولی در متغیر اضطراب مرگ دختران اضطراب مرگ بالاتری نسبت به پسران داشتند. ۶. دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به دانشجویان کارشناسی از سطح هیجان‌خواهی کمتری ($p < .01$) برخوردار بودند. تفاوت این دو گروه در جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ معنادار نمی‌باشد. بنابراین: جهت‌گیری مذهبی درونی منجر به کاهش اضطراب مرگ و جهت‌گیری بیرونی منجر به کاهش هیجان‌خواهی می‌گردد. جهت‌گیری مذهبی و هیجان‌خواهی تحت تاثیر جنس قرار ندارد. گریز از بازداری بیشتر در پسران می‌تواند مبنای ژنتیک داشته باشد. بیشتر بودن اضطراب مرگ در دخترها می‌تواند به دلیل ناستواری و تحریک پذیری عاطفی و واقعی عمل کردن در بیان احساسات و اضطراب‌ها باشد. جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ تحت تاثیر دوره‌های تحصیلی قرار نمی‌گیرد چون جهت‌گیری مذهبی یک سازه‌ی شخصیتی شکل یافته است. هیجان‌خواهی همراه با افزایش سن کاهش می‌یابد و تحت تاثیر دوره‌ی تحصیلی نیست.

کلید واژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی درونی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، اضطراب مرگ، هیجان‌خواهی



● مقدمه

ویکتور فرانکل^۱ (به نقل از محمدپور، ۱۳۸۵) می‌گوید: «ماورای غرایز و ژن‌های «خودخواهی»^۲ ماورای شرطی‌سازی کلاسیک و عامل و ماورای حاکمیت زیست‌شناختی چیز خاصی وجود دارد شخصی یگانه و انسانی بی‌همتا». این انسان بی‌همتا برای اتصال به معشوق جاودان نیازمند به ریسمانی محکم به نام مذهب است. «مذهب» به خودی خود همچون یک انگیزه‌ی بنیادی در زندگی فرد با ایمان اهمیت دارد (قربانی و همکاران، ۲۰۰۰). مذهب یک شبکه‌ی معنادار را برای فرد با ایمان تأمین می‌کند که در بطن آن، همه‌ی زندگی فهمیده می‌شود (هریک، ۱۹۸۷).

روان‌تحلیل‌گران و روان‌شناسانی همچون فروید، یونگ، ایس، فرام، جیمز و مازلو در آثار خود

به مذهب توجه ویژه‌ای داشته‌اند. تحقیقات فراوانی نیز در مورد مذهب و ارتباط آن با موضوعاتی مانند: «میزان تیدگی» (مختاری، اللهیاری، و رسول زاده طباطبایی، ۱۳۸۰)، «اضطراب» و «حرمت خود» (بهرامی احسان، ۱۳۸۱). «شادزیستی» (علیپور، ۱۳۸۴). «شخصیت» (خداپناهی و خوانین زاده، ۱۳۷۹) انجام پذیرفته است. اما آنچه جالب توجه و با اهمیت به نظر می‌آید عدم وجود تحقیقاتی در مورد رابطه «جهت‌گیری مذهبی» با «اضطراب مرگ» و «هیجان‌خواهی» در ایران می‌باشد. منابع خارجی نیز عمدتاً به بررسی رابطه مذهب و اضطراب مرگ با توجه به ادیان مسیحی (کاتولیک، پروتستان و ارتدکس) یهودی و بودیسم پرداخته‌اند (روکاس، ۲۰۰۵؛ هانتلی و پیترز، ۲۰۰۵؛ دوریز، سویتز و بایر، ۲۰۰۴؛ ساروقلو، دلپیر و درنل، ۲۰۰۴) و آنچه در این میان مورد غفلت واقع شده، سنجش رابطه این متغیرها در جوامع مسلمان می‌باشد.

دیدگاه آلپورت^۳ درباره جهت‌گیری درونی و بیرونی به مذهب تأثیر ماندنی و قوی بر روان‌شناسی مذهب گذاشته است. آلپورت اصطلاح «درون‌گرایی مذهبی» را برای تعریف کردن و متمایز کردن افرادی به کار می‌برد که حقیقتاً و خالصانه تسلیم نوعی عقیده و ایمان به چیزی می‌باشند. شخص درونی با مذهبش زندگی می‌کند تعصب کمتری دارد از آموزش‌های مذهبی برای آگاهی از تعامل‌های روزمره خود با دیگران استفاده می‌کند هم‌نوعانش را دوست دارد و طرد و تحقیر و منت‌گذاری دیگران نزد او جایی ندارد. برون‌گرایی مذهبی در واقع مذهب افرادی را نشان می‌دهد که از ایمان و عقیده مذهبی‌شان برای رفع نیازها و منافع شخصی‌شان استفاده می‌کنند. در واقع مذهب وسیله‌ای برای اهداف خودخواهانه آنها می‌باشد. شخص بیرونی متعصب است و از مذهب برای امنیت راحتی بدست آوردن موقعیت و حمایت اجتماعی استفاده می‌کند (دوناهیو^۴، ۱۹۸۵؛ به نقل از حیدری و خلیلی، ۱۳۸۵؛ هریک، ۱۹۸۷).

کی‌رکگارد^۵ (به نقل از محمدپور، ۱۳۸۵) معتقد است هنگامی که روح جاویدان به مخاطره می‌افتد انتخاب به شکل سرنوشت‌سازی شیوه آغازگری را تعیین می‌کند. انتخاب راهی برای پایان دادن به دلهره و اضطراب یا آشوب درونی است. در بحران وجودی تنها پناهگاه ایمن «دین» است. در این پناهگاه شخص می‌تواند با نامیرا (لا‌یزال) ارتباط برقرار کند.

می^۶ (به نقل از محمدپور، ۱۳۸۵) معتقد است خاستگاه اضطراب نیاز شخص برای بقاء حفظ خود و شجاعت بودن است. تیلیش^۷ (۱۳۶۶) نیز سه شکل اضطراب را ذکر می‌کند که براساس آن سه نوع نیستی «خود وجودی» یا «اضطراب مرگ»^۸، «خود معنوی» یا «اضطراب بی‌معنایی» و «خود اخلاقی» یا «اضطراب محکومیت»^۹ انسان را تهدید می‌کند.

اضطراب مرگ را می توان به عنوان سطح اضطرابی تعریف نمود که فرد هنگام اندیشیدن در مورد مرگ با آن روبرو می شود.

متغیر دیگری که در این پژوهش به آن پرداخته می شود «هیجان خواهی»^{۱۰} است. هیجان خواهی عبارت است نیاز به هیجانان و تجارب متغیر جدید و پیچیده و میل به اکتساب خطرات جسمی و اجتماعی برای این چنین تجربه ای. هیجان خواهی به عنوان یک سازه شخصیتی تلقی می شود (زاکرم، ۱۹۷۹؛ به نقل از واگنر، ۲۰۰۱ و بشارت ۱۳۸۰).

روشن شده است که در افراد دارای جهت گیری مذهبی درونی شخصیت با مذهب یکی می شود (مختاری و همکاران، ۱۳۸۰). و چون هیجان خواهی نیز با شخصیت عجین است لذا ارتباط جهت گیری مذهبی با هیجان خواهی قابل توجهی می باشد. فرد زیاد هیجان طلب تحریک بیرونی دائمی مغز را ترجیح می دهد، از کارهای عادی خسته می شود و مرتباً در جستجوی راهنمایی برای افزایش برپایی از طریق تجربه های هیجان انگیز است. فرد کم هیجان طلب به طور مداوم تحریک مغزی کمتری را ترجیح می دهد و کارهای عادی را نسبتاً خوب تحمل می کند (ریو، ۱۳۸۲).

تحقیقات وینک و اسکات (۲۰۰۵)، آردلت (۲۰۰۳)، روف، باتکوسینین و کلیماک (۲۰۰۲)، بهرامی احسان (۱۳۸۱)، بیرشک و همکاران (۱۳۸۰)، مختاری و همکاران (۱۳۸۰)، گله دار و ساکی (۱۳۸۰)، پارک، کهن و هرب (۱۹۹۰) نشان دهنده رابطه معنادار منفی بین جهت گیری مذهبی و «اضطراب مرگ» می باشد. یعنی هرچه میزان درونی بودن مذهب بیشتر باشد از مقدار اضطراب مرگ کاسته می شود. افراد دارای جهت گیری مذهبی بیرونی اضطراب بیشتر و افراد دارای جهت گیری مذهبی درونی اضطراب کمتری دارند.

آردلت (۲۰۰۳) معتقد است: تنها یک جهت گیری مذهبی درونی می تواند معنا و مفهوم متعالی از مرگ و زندگی را خلق کند. در حقیقت بسیاری از مطالعات نشان می دهد که همبستگی منفی بین جهت گیری مذهبی درونی و اضطراب مرگ وجود دارد. دلیل آن ممکن است این اعتقاد باشد که این افراد پاداش رفتارهای مذهبی شان را پس از مرگ دریافت خواهند کرد.

تحقیقات در مورد رابطه مذهب و دینداری با هیجان خواهی نشان دهنده همبستگی منفی بین این دو بوده است. تحقیق روکاس (۲۰۰۵) روی دانشجویان یهودی بررسی های فراتحلیلی ساروقلو و همکاران (۲۰۰۴) روی نمونه بزرگی از ۱۵ کشور با ادیان مختلف (به جز اسلام) از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ تحقیقات بومسما و همکاران (۱۹۹۹)، زاکرم و نب (۱۹۸۰) بیان می نماید که

تفاوت‌های افراد در زمینه مسائل مذهبی با تفاوت‌های آنها در زمینه‌های شخصیتی به خصوص در هیجان‌خواهی مرتبط می‌باشد. آزمودنی‌هایی با تربیت مذهبی افرادی که اخیراً مذهبی شده‌اند و آنهایی که در فعالیت‌های کلیسا شرکت می‌کردند نمرات پایین‌تری در پرسشنامه هیجان‌خواهی داشتند. نتایج تحقیقات واگنر (۲۰۰۱)، گونارا سووتیر (۲۰۰۱)، به نقل از صفاری، (۱۳۸۵) و حسوند (۱۳۸۲) در مورد رابطه هیجان‌خواهی و اضطراب به طور متناقض گزارش شده است. بدین مفهوم که در بعضی از تحقیقات همبستگی معنادار و در بعضی دیگر عدم همبستگی بین این دو متغیر اعلام شده است. با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت شناخت نسبت به نوع ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی در جامعه ایران حائز اهمیت است. در واقع می‌توان چنین استنباط کرد ارزش‌ها اصول اخلاقی اعتقادات مراسم عبادی و هیجان‌ها در یک کل هماهنگ توسط مذهب به وحدت می‌رسند. بنابراین تعیین رابطه این ۳ متغیر در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به تحقیقات پیشین این پژوهش در پی یافتن این مطالب است که:

- جهت‌گیری مذهبی دانشجویان با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی آنها چه ارتباطی دارد؟
- آیا بین اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا تفاوتی بین دانشجویان دختر و پسر از نظر جهت‌گیری مذهبی اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی وجود دارد؟
- آیا تفاوتی بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد از نظر جهت‌گیری مذهبی اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی وجود دارد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● روش

○ جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی که در سال ۸۶-۱۳۸۵ مشغول به تحصیل بودند. تعداد ۳۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از اجرای آزمون، پرسشنامه‌های ۲۸ نفر از آزمودنی‌ها (شامل هر ۳ ابزار) به علت مخدوش بودن کنار گذاشته شد و همچنین براساس منحنی نرمال ۵/۰ انحراف معیار از میانگین کم و زیاد شد و افرادی که در دو کرانه‌ها جای داشتند نهایتاً به عنوان نمونه انتخاب شدند. با این شیوه حدود ۲۰۲ نفر از آزمودنی‌ها باقی ماندند و بقیه افراد کنار گذاشته شدند.

● ابزارها

۱. «مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت»^{۱۱} (۱۹۵۰). بر مبنای کوشش‌های نظری، آلپورت سعی در ساختن مقیاسی برای اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی نمود. او به همین منظور یک مقیاس ۲۰ گزینیه‌ای ساخت که ۱۱ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی درونی مربوط می‌شود. فگین^{۱۲} یک نسخه ۲۱ سئوالی از مقیاس جهت‌گیری مذهبی ساخت که تمام گزینه‌های آلپورت در آن انتخاب شده بودند و علاوه بر آن یک گزینه دیگری به آن افزود. در این پژوهش از نسخه ۲۱ سئوالی استفاده شده است. طبق تحقیق آلپورت (به نقل از دوناهیو، ۱۹۸۵) همبستگی بین گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی درونی با گزینه‌های جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۲ بود. در این مقیاس گزینه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم گردیده‌اند. نمره‌گذاری برای سئوال‌ات مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی بدین صورت می‌باشد: کاملاً مخالفم ۱، تقریباً مخالفم ۲، تقریباً موافقم ۴، کاملاً موافقم ۵ و سئوال‌ات بی‌پاسخ ۳. برای سئوال‌ات مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی نمره‌گذاری بدین صورت است: کاملاً موافقم ۱، تقریباً موافقم ۲، تقریباً مخالفم ۴، کاملاً مخالفم ۵ و سئوال‌ات بی‌پاسخ ۳. اعتبار^{۱۳} مقیاس توسط جان‌بزرگی (۱۳۷۸) در یک گروه نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با اعتبار ۰/۷۳۷ بر اساس آلفای کرونباخ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضریب معادل ۰/۶۱ بدست آمد.

۲. «مقیاس اضطراب مرگ»^{۱۴} تمپلر (۱۹۷۰). این مقیاس برای اضطراب مربوط به مرگ بوده که بیشترین کاربرد را در نوع خود داشته است و متشکل از ۱۵ سئوال صحیح - غلط می‌باشد. دامنه نمرات از صفر تا پانزده است و نمره زیاد، معرف درجه بالایی از اضطراب مرگ می‌باشد. در این پژوهش از فرم ۱۴ سئوالی مقیاس که توسط رجی و بحرانی (۱۳۸۰) در ایران روی ۱۳۸ دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا و هنجاریابی شده است استفاده گردید. (سئوال ۱۴ آزمون اصلی روایی^{۱۵} لازم را برای سنجش اضطراب مرگ در ایران نداشته است). تمپلر (۱۹۷۰) ضریب بازآزمایی مقیاس را ۰/۸۳ بدست آورده است. در پژوهش رجی و بحرانی (۱۳۸۰) ضریب تصنیف مقیاس اضطراب مرگ ۰/۶۲ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه معادل ۰/۷۳ بدست آمد. در این پژوهش نیز اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۰ بدست آمد.

۳. «مقیاس هیجان‌خواهی»^{۱۶} زاگرن فرم ۵ (۱۹۷۹) این مقیاس ۴۰ ماده دارد که هر ماده

دو پاسخ ممکن دارد که با یک عملکرد برای هیجان‌خواهی مرتبط هستند. این مقیاس دارای ۴ خرده مقیاس: «تهییج طلبی»، «تجربه طلبی»، «گریز از بازداری» و «ملال‌پذیری» می‌باشد. دامنه نمرات از صفر تا ۴۰ می‌باشد که نمرات بالاتر به معنای هیجان‌خواهی بیشتر است. اعتبار درونی آن توسط زاگرم (۱۹۷۹)، به نقل از گودرزی و شیرازی، (۱۳۸۴) در دامنه ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ و اعتبار بازآزمایی آن ۰/۹۴ ذکر شده است. همچنین روایی این مقیاس هم مورد تأیید قرار گرفته است. گودرزی و شیرازی (۱۳۸۴) نیز اعتبار آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ برای کل آزمودنی‌ها گزارش نموده‌اند. اعتبار این آزمون در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۴ بدست آمده است.

○ طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. به منظور بررسی ارتباط جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. برای بررسی تفاوت دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در این متغیرها از آزمون t مستقل استفاده گردید.

○ نحوه اجرا: ابتدا مقیاس‌های مورد استفاده در پژوهش به دانشجویانی که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند به صورت گروهی داده شد. سپس توضیحات مقدماتی درباره مقیاس‌ها و نحوه تکمیل و هدف از اجرای آزمون‌ها به آنها ارائه گردید. بعد از اتمام کار، پاسخ‌ها جمع‌آوری و بعد از حذف پاسخ‌های ناقص، بقیه آنها نمره‌گذاری و برای تجزیه و تحلیل نهایی توسط نرم افزار SPSS14 آماده گردید.

● نتایج

برای بررسی رابطه «جهت‌گیری مذهبی» (درونی و بیرونی) با «اضطراب مرگ» و «هیجان‌خواهی» (و مؤلفه‌های آن) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده است.

جدول ۱- میزان همبستگی جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی (مؤلفه گریز از بازداری)

شاخصهای آماری	ضریب همبستگی	فراوانی	سطح معناداری
جهت‌گیری مذهبی درونی			
اضطراب مرگ	-۰/۲۵۹	۲۰۲	۰/۰۰۱
گریز از بازداری	-۰/۱۳۶	۲۰۲	۰/۰۵

اطلاعات مندرج در جدول ۱ حاکی از وجود رابطه معنادار منفی بین «جهت‌گیری مذهبی درونی» با «اضطراب مرگ» و مؤلفه «گریز از بازداری» می‌باشد. ضریب بدست آمده برای اضطراب مرگ در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. بدین مفهوم که هر چه نمره جهت‌گیری مذهبی درونی افزایش می‌یابد، میزان اضطراب مرگ و گریز از بازداری کاهش می‌یابد. رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی و هیجان‌خواهی به طور کلی (و همچنین سایر مؤلفه‌ها به جز گریز از بازداری) مشاهده نشد.

جدول ۲- میزان همبستگی جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های آن

شاخصهای آماری	ضریب همبستگی	فراوانی	سطح معناداری
اضطراب مرگ	۰/۶۰	۲۰۲	۰/۳۷۳
هیجان‌خواهی	-۰/۴۱۰	۲۰۲	۰/۰۰۱
تجربه‌طلبی	-۰/۳۷۶	۲۰۲	۰/۰۰۱
گریز از بازداری	-۰/۴۵۸	۲۰۲	۰/۰۰۱
ملال‌پذیری	-۰/۲۴۴	۲۰۲	۰/۰۰۱

اطلاعات مندرج در جدول ۲ حاکی از وجود رابطه منفی بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های «تجربه‌طلبی»، «گریز از بازداری» و «ملال‌پذیری» می‌باشد. ضرایب بدست آمده در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. بدین مفهوم که با افزایش جهت‌گیری مذهبی بیرونی هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های آن (تجربه‌طلبی، گریز از بازداری و ملال‌پذیری) کاهش می‌یابد. بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و اضطراب مرگ نیز رابطه معناداری مشاهده نشد.

جدول ۳- میزان همبستگی اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی

شاخصهای آماری	ضریب همبستگی	فراوانی	سطح معناداری
اضطراب مرگ	-۰/۰۳۱	۲۰۲	۰/۵۷۲
هیجان‌خواهی			

نتایج جدول ۳ حاکی از این مطلب است که بین «اضطراب مرگ» و «هیجان‌خواهی» رابطه معناداری وجود ندارد.

جهت بررسی این سؤال‌ها که آیا بین دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کارشناسی و

کارشناسی ارشد از نظر جهت‌گیری مذهبی اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی تفاوتی وجود دارد؟ اطلاعات لازم جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج در جدول‌های ۴ و ۵ آمده است.

جدول ۴- شاخص‌های آماری و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه نمرات دو گروه از دانشجویان دختر و پسر

در متغیرهای جهت‌گیری مذهبی اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی

شاخصهای آماری مؤلفه‌ها	پسر			دختر			تفاوت میانگینها	درجه آزادی	میزان t	سطح معناداری
	تعداد	میانگین نمرات	انحراف معیار	تعداد	میانگین نمرات	انحراف معیار				
جهت‌گیری درونی	۱۱۸	۱۵/۰۸	۰/۵۱۹	۸۴	۱۶/۰	۰/۴۹۱۹	-۰/۰۹۲	۲۰۰	-۱/۳۹۷	۰/۱۶۴
جهت‌گیری بیرونی	۱۱۸	۱۴/۸۱	۰/۵	۸۴	۱۴/۵۷	۰/۵	۰/۰۲۴	۲۰۰	۰/۳۴۶	۰/۷۳
اضطراب مرگ	۱۱۸	۵/۸۳	۲/۷۹	۸۴	۷/۰۶	۳/۰۱	-۱/۲۳	۲۰۰	-۳/۸۶	۰/۰۰۱
هیجان‌خواهی	۱۱۸	۱۷/۸	۵/۹۵	۸۴	۱۶/۹۶	۵/۰۶	۰/۸۴	۲۰۰	۱/۳۶	۰/۱۷۳
گریز از بازداری	۱۱۸	۴/۰۴۵	۲/۲۶	۸۴	۳/۴۱	۱/۷۹	۰/۶۳۵	۲۰۰	۲/۷۹	۰/۰۰۶

با توجه به نتایج جدول ۴ تفاوت میانگین نمره‌های دختران و پسران در متغیرهای جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) و هیجان‌خواهی از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. هرچند که تمایل پسران به طرف جهت‌گیری مذهبی بیرونی و هیجان‌خواهی بیشتر می‌باشد و دختران به جهت‌گیری درونی تمایل دارند. تفاوت میانگین نمره‌های دختران و پسران در متغیرهای اضطراب مرگ و گریز از بازداری در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. دختران دارای اضطراب مرگ بیشتری نسبت به پسران می‌باشند ولی پسران گریز از بازداری بالاتری نسبت به دختران دارند.

جدول ۵- شاخص‌های آماری و نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه نمرات دو گروه از دانشجویان کارشناسی

و کارشناسی ارشد در متغیرهای جهت‌گیری مذهبی اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی

شاخصهای آماری مؤلفه‌ها	پسر			دختر			تفاوت میانگینها	درجه آزادی	میزان t	سطح معناداری
	تعداد	میانگین نمرات	انحراف معیار	تعداد	میانگین نمرات	انحراف معیار				
جهت‌گیری درونی	۱۰۸	۱۵/۷	۰/۴۹	۹۴	۱۵/۲	۰/۵	۰/۰۴۸	۲۰۰	۰/۷۲۸	۰/۴۶
جهت‌گیری بیرونی	۱۰۸	۱۵	۰/۵	۹۴	۱۴/۳	۰/۴۹	۰/۰۶۹	۲۰۰	۰/۹۸	۰/۳۲
اضطراب مرگ	۱۰۸	۶/۱	۲/۹	۹۴	۶/۶	۳	-۰/۴۸	۲۰۰	-۱/۴۹	۰/۱۳
هیجان‌خواهی	۱۰۸	۱۶/۵	۵/۷	۹۴	۱۸/۳۷	۵/۲۶	-۱/۸۵	۲۰۰	-۳	۰/۰۰۲
گریز از بازداری	۱۰۸	۳/۴۳	۱/۷۹	۹۴	۴/۰۲	۱/۸۴	-۰/۵۸	۲۰۰	-۲/۹۳	۰/۰۰۴

بررسی نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمره‌های دو گروه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در متغیرهای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و اضطراب مرگ معنادار نمی‌باشد هرچند که دانشجویان کارشناسی ارشد دارای نمره جهت‌گیری درونی بیشتری می‌باشند و دانشجویان کارشناسی نمره اضطراب مرگ بالاتری دارند. نمرات دانشجویان کارشناسی در هیجان‌خواهی و مؤلفه تجربه‌طلبی بالاتر از دانشجویان کارشناسی ارشد می‌باشد (در سطح ۰/۰۱).

● بحث و نتیجه‌گیری

○ هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی به منظور کسب دیدگاهی جدید در مورد تأثیر مذهب بر بعضی از عوامل مؤثر در زندگی افراد می‌باشد. در مورد رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی نتایج، حاکی از رابطه معنادار بین جهت‌گیری مذهبی با متغیرهای دیگر می‌باشد که با تحقیقات وینک و اسکات (۲۰۰۵)، روکاس (۲۰۰۵)، ساروقلو و همکاران (۲۰۰۴)، آردلت (۲۰۰۳)، روف و همکاران (۲۰۰۲)، بومسماو همکاران (۱۹۹۹)، بهرامی احسان (۱۳۸۱)، بیرشک و همکاران (۱۳۸۰)، مختاری و همکاران (۱۳۸۰)، گله‌دار و ساکی (۱۳۸۰)، پارک و همکاران (۱۹۹۰) و زاگرن و لب (۱۹۸۰) همسو می‌باشد. هرچه نمره افراد به طرف جهت‌گیری مذهبی درونی تمایل بیشتری می‌یابد اضطراب مرگ آنها کاهش می‌یابد. همچنین براساس نتایج بدست آمده هرچه میزان جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز افزایش می‌یابد هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های تجربه‌طلبی، گریز از بازداری و ملال‌پذیری نیز کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان پذیرفت که جهت‌گیری مذهبی درونی نقش مؤثرتری در تعدیل اضطراب مرگ داشته باشد. از سوی دیگر جهت‌گیری مذهبی بیرونی با هیجان‌خواهی رابطه منفی نشان داده است. مک اینتاش، سیلور و ورتمن (۱۹۹۳) بیان می‌کنند که افراد مذهبی دارای روان‌بنه‌های مذهبی هستند که می‌تواند به آنها در پردازش شناختی مرگ کمک کند. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که این روان‌بنه‌ها ارزیابی ما را از فلسفه زندگی و مرگ تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی می‌تواند اضطراب‌های ناشی از اندیشیدن به مرگ و هیجان‌خواهی را مهار نماید. بنابراین این روان‌بنه‌ها می‌توانند هم بر ارزیابی ما از رویدادها و هم بر شیوه‌های رویارویی ما با رویدادها و حتی بر چگونگی وقوع رویدادها اثر داشته باشند و افراد مذهبی دارای جهت‌گیری درونی دارای روان‌بنه‌هایی می‌باشند که نحوه ارزیابی آنها را از رویدادهای تیدگی‌زات تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که این افراد

رویدادها را کمتر تنش‌زا تلقی کرده و در نتیجه اضطراب مرگ کمتری دارند. از جهت دیگر مذهب نیز به آنها اطمینان و آرامشی عطا می‌کند که بتوانند در برابر مسائل شکیبایی پیشه‌کنند. اما افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند نیز بر اساس یافته‌های این پژوهش با استفاده از مذهب توانسته‌اند بر هیجان‌خواهی‌شان غلبه‌کنند. می‌توان اینگونه توجیه کرد که چون هیجان‌خواهی یک سازه‌ی شخصیتی است و در افراد مذهبی نیز شخصیت با مذهب یکی می‌شود لذا ارتباط جهت‌گیری مذهبی بیرونی با هیجان‌خواهی قابل توجیه می‌باشد.

○ تفاوت «پسران و دختران» در جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) معنادار نمی‌باشد یعنی این متغیر تحت تأثیر عامل جنس قرار نمی‌گیرد. این یافته با نتایج بعضی از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند همخوانی دارد (از قبیل ایگان و همکاران، ۲۰۰۳؛ میرهاشمیان، ۱۳۷۸؛ و لويس و مالتبی، ۱۹۹۵) و با بعضی از پژوهش‌های دیگر ناهم‌هنگ است (از قبیل لونتال^{۱۷} و همکاران، ۲۰۰۲؛ فرارو^{۱۸}، ۲۰۰۰؛ بتی-هالا همی^{۱۹}، ۱۹۹۷؛ فرانسيس^{۲۰}، ۱۹۹۷، ۱۹۹۲؛ دوناهيو، ۱۹۹۵؛ براون^{۲۱}، ۱۹۸۷ به نقل از محمدی و مهربانی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۵؛ خداپناهی و خوانین‌زاده، ۱۳۷۹). بعضی از محققان معتقدند که تفاوت‌های دو جنس در نگرش‌های مذهبی ممکن است به مذهب خاص مورد مطالعه مربوط باشد. به طور مثال لونتال و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهشی که روی چهار دین «مسیحیت»، «هندویسم»، «یهود» و «اسلام» انجام دادند، تفاوت زنان و مردان در نگرش مذهبی را فقط در پیروان دین مسیح یافتند. محققانی که از نظر نگرش دینی تفاوت معناداری بین دو جنس بدست نیاورده‌اند اعتقاد دارند که این تفاوت مختص فرهنگ‌های غربی است و در فرهنگ ما به دلایلی از جمله نفوذ بسیار زیاد و گسترده مذهب در همه اعصار و دوران‌ها این تفاوت مشاهده نمی‌شود (محمدی و مهربانی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۵). البته نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که پژوهش‌هایی که تفاوت بین دو جنس را بیان کرده‌اند بالاتر بودن نگرش مذهبی در جنس مؤنث در آنها گزارش شده است نه ضرورتاً بیشتر بودن رفتارهای حاکی از دینداری. مسئله دیگر بافت اجتماعی نمونه‌های مورد مطالعه است. تفاوت در نگرش دینی بین دو جنس می‌تواند در طبقات اقتصاد اجتماعی مختلف یا شرایط دیگر متفاوت باشد.

○ اما در «اضطراب مرگ» تفاوت پسران و دختران معنادار بوده است و دختران اضطراب مرگ بیشتری داشته‌اند. مطابق با این یافته، فیروزی (۱۳۸۵) در پژوهشی پیرامون ترس‌ها و اضطراب‌های رایج دانشجویان دانشگاه به این نتیجه دست یافت که عمده محتوای ترس‌های دوره دانشجویی مربوط به عامل مرگ و خطر است و شدت و شیوع ترس و اضطراب در دخترها

به طور معناداری بالاتر از پسرهاست. بررسی بیشتر این نتیجه در پژوهش پیرس و کرک پاتریک (۱۹۹۲) نیز نشان می‌دهد که مردان به علت خصوصیات جنسی مردانه، بیشتر از زن‌ها با اضطراب‌هایشان برخورد می‌کنند و در نتیجه اضطراب‌های کمتری نسبت به زن‌ها دارند. اما در مورد زن‌ها بامبر (۱۹۷۴) به دو مطلب اشاره می‌کند: یکی این که ممکن است زن‌ها در بیان احساسات، اضطراب‌ها و ترس‌هایشان واقعی‌تر عمل کنند چون آن‌ها همانند مردها در مقابل بیان احساسات و عواطف در معرض فشارهای اجتماعی خیلی قوی قرار نمی‌گیرند و دیگری این احتمال که از لحاظ عاطفی نسبت به مردها ناستوارتر و تحریک‌پذیرتر هستند و بنابراین با درجه‌ی بیشتری از مردها به مسائل اضطراب برانگیز و نام‌اشیاء ترس‌زا واکنش نشان می‌دهند. مطابق با مباحث فوق، اضطراب مرگ بیشتر در دختران نسبت به پسران نیز قابل توجه می‌باشد. هرچند که کمستاک و پارتیج (۱۹۷۲) در تحقیقی طولی که در طی هشت سال و بر روی پنجاه هزار فرد بالغ انجام دادند، اضطراب و ترس از مرگ را در میان زنانی که به طور مرتب در مراسم مذهبی شرکت می‌کردند کمتر دیدند.

○ پسران در متغیر «هیجان‌خواهی» نمره‌ی بالاتری از دختران دارند، هرچند که تفاوت نمره‌ی آن‌ها از نظر آماری معنادار نیست اما در مؤلفه‌ی «گریز از بازداری»، تفاوت معنادار مشاهده می‌شود و پسران گریز از بازداری بیشتری نسبت به دختران داشته‌اند. این مسئله را می‌توان با توجه به تفاوت‌های زیستی مردان و زنان توجه نمود. همانگونه که قبلاً اشاره شد، هیجان‌خواهی به معنای نیاز به هیجان‌ات و تجارب متغیر و پیچیده و میل به اکتساب خطرات جسمی و اجتماعی برای این چنین تجربه‌ای است. با توجه به نقش‌های سنتی که در جامعه ما برای مردان و زنان تعریف شده است، انتظار می‌رود که خطرپذیری و تمایل به تجارب متغیر و پیچیده و موقعیت‌های دارای ابهام در مردان بیشتر از زنان باشد. تمایل پسران به افزایش برپایی از طریق تجربه‌های هیجان‌انگیز و تحریک‌دائمی مغزی و عدم تمایل به کارهای تکراری و عادی بیشتر از دختران است. دختران تحریک‌مغزی کمتر را ترجیح می‌دهند و کارهای عادی را نسبتاً خوب تحمل می‌کنند. پژوهش‌های کجاف، نشاط‌دوست و خالویی (۱۳۸۴)، عطاری و همکاران (۱۳۸۳) و زاکرمن (۱۹۷۹) نیز مطالب فوق را تأیید می‌نمایند. این پژوهش‌ها تأیید می‌کنند که تفاوت سطح هیجان‌خواهی در افراد بدان جهت است که آن‌ها رگه‌ی هیجان‌خواهی را مانند رگه‌ی برون‌گرایی-درون‌گرایی به ارث می‌برند. گرچه زاکرمن (۱۹۷۹) نیز احتمال می‌دهد که مبنای ژنتیک هیجان‌خواهی به وراثت رگه‌های زیستی وابسته باشد، ولی سطوح غلظت ناقل‌های دوپامین و نوراپی‌نفرین را برای بروز هیجان‌خواهی با اهمیت تلقی می‌کرد.

○ سایر نتایج حاصل از این بررسی بیانگر آن است که جهت‌گیری مذهبی و اضطراب مرگ دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد، باهم تفاوت معنادار ندارد. با توجه به این که جامعه ایران یک جامعه مذهبی است و افراد از همان ابتدای کودکی با محیط‌های مذهبی در ارتباط هستند و قسمت اعظم جهت‌گیری مذهبی آن‌ها در خانواده، محیط‌های اجتماعی و موقعیت‌هایی که مسائل مذهبی را ترویج می‌کنند (مثل مسجد، رسانه‌ها، مدرسه، مناسبت‌های مذهبی مختلف و...) ساخت می‌یابد. بنابراین انتظار می‌رود که نوع جهت‌گیری مذهبی افراد نیز در طی دوران از کودکی تا نوجوانی شکل بگیرد و با توجه به اینکه مذهب به عنوان یک ایدئولوژی، نگرش‌ها و باورهای فرد را در مورد امور و مسائل تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی مسند مهارگذاری درونی و بیرونی آن‌ها را مشخص می‌نماید، تقریباً به صورت یک سازه شخصیتی در می‌آید که کمتر تحت تأثیر مکان‌ها و محیط‌های آموزشی و علمی بعدی قرار می‌گیرد. بنابراین عدم تفاوت جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و به تبع آن عدم تفاوت میزان اضطراب مرگ آنها نیز می‌تواند ناشی از همین امر باشد و در نتیجه می‌توان پذیرفت که تغییر در سطوح تحصیلی تفاوتی در نوع جهت‌گیری مذهبی افراد به وجود نمی‌آورد و اکثریت افراد، همان رویکرد مذهبی شکل یافته در طی زندگی را کماکان حفظ خواهند کرد.

○ «هیجان‌خواهی» دانشجویان دوره کارشناسی به طور معناداری بالاتر از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد می‌باشد، بررسی‌های انجام شده براساس پژوهش‌های کججاف و همکاران (۱۳۸۴)، پلوفی (۱۹۸۶) و زاگرم (۱۹۷۹) نشان می‌دهد که دوره تحصیلی شاید متغیر مؤثر در میزان هیجان‌خواهی نباشد، بلکه افزایش سن افراد می‌تواند یکی از عوامل مهم تغییر در امتیازات کلی هیجان‌خواهی به شمار آید. براساس پژوهش زاگرم (۱۹۷۹) بیشترین کاهش میانگین امتیازات برای زنان بین ۳۰ تا ۵۰ سال و برای مردان در سنین ۴۰ تا ۶۰ سال رخ می‌دهد، که این یافته با نتایج پژوهش پلوفی (۱۹۸۶) مبنی بر اینکه سطح هیجان‌خواهی در هر دو جنس با افزایش سن تا دهه ششم عمر کاهش می‌یابد هماهنگی دارد. بنابراین جنس و سن را می‌توان دو متغیر قوی به شمار آورد که بر «هیجان‌خواهی» و مؤلفه‌های «گریز از بازداری» و «تجربه‌طلبی» تأثیر می‌گذارند.

○ در جمع‌بندی نهایی از تحلیل‌ها می‌توان گفت: که «جهت‌گیری مذهبی درونی» برای افراد، «اضطراب مرگ» کمتر و «گریز از بازداری» کمتر را به ارمان می‌آورد و تسلیم خالصانه و حقیقی به مذهب، باعث می‌شود که فرد در مذهبش زندگی کند و خدا را فقط به خاطر خودش دوست

بدارد و این بودن همیشگی با خداوند، آرامش را برای او به همراه داشته باشد. جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز توانسته قدرت غلبه بر هیجان‌خواهی را به افراد عطا نماید. جهت‌گیری مذهبی افراد تحت تأثیر «جنس» قرار نمی‌گیرد و مذهب توانسته برای هر دو جنس، مزایا و محاسنی داشته باشد. دوره‌های متفاوت تحصیلی نتوانسته است تغییری در رویکرد مذهبی افراد به وجود آورد و جهت‌گیری مذهبی‌ای که به صورت یک سازه شخصیتی از کودکی تا دوره جوانی در افراد شکل گرفته، با ثبات باقی مانده است. میزان هیجان‌خواهی نیز می‌تواند متأثر از تفاوت سنی افراد باشد نه تفاوت دوره تحصیلی. هرچه بر میزان «سن» افراد افزوده می‌شود از میزان هیجان‌خواهی آنها کاسته می‌گردد.



یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------------------|----------------------------------|
| 1- Frankl, L. V. E. | 2- gens selfish |
| 3- Allport, G. W. | 4- Donahue, M. J. |
| 5- Kierkegard, S. A. | 6- May, R. |
| 7- Tilich, P. | 8- death anxiety |
| 9- condemnation anxiety | 10- sensation seeking |
| 11- Allports Religious Orientation | 12- Feagin, J. R. |
| 13- reliability | 14- Death Anxiety Scale(DAS) |
| 15- validity | 16- Sensation Seeking Scale(SSS) |
| 17- Loewenthal, K.M. | 18- Ferraro, K. F. |
| 19- Beti-Hallahme, B. | 20- Francis, L. J. |
| 21- Brown, L. B. | |

منابع

- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۰). مقایسه مشخسه‌های تهییج‌طلبی، خودپیروی و جامعه‌گرایی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار. مجله علوم روانشناختی، دوره اول، شماره ۱، صص ۶۲-۶۹.
- بهرامی احسان، هادی. (۱۳۸۱). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود. مجله روانشناسی، ۲۴ صص ۳۳۶-۳۴۷.
- بیرشک، بهروز؛ بخشانی، نورمحمد؛ بیان‌زاده، سیداکبر؛ و آذربایجانی، طیبه. (۱۳۸۰). بررسی نقش مذهب در تجربه و رتبه‌بندی استرس‌های زندگی افسردگی و اضطراب. چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی دین در بهداشت روان، تهران.
- تیلیش، پل. (۱۳۶۶). شجاعت بودن، ترجمه مراد فرهادپور. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جان بزرگی، مسعود. (۱۳۷۸). بررسی اثربخشی روان‌رمانگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

- حسونند، مهرباب. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هیجان‌خواهی و اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حیدری، اسفندیار؛ خلیلی شرفه، فاطمه. (۱۳۸۵). ارزش‌ها و شخصیت (با تأکید ویژه روی رابطه مذهب با ارزش‌ها و شخصیت). تحقیق منتشر نشده. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- خداپناهی، محمدرکیم؛ خوانین‌زاده سریزدی، مرجان. (۱۳۷۹). بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت‌گیری مذهبی دانشجویان. مجله روانشناسی ۱۴، صص ۱۸۵-۲۰۴.
- رجیبی، غلامرضا؛ بحرانی، محمود. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سئوال‌های مقیاس اضطراب مرگ. مجله روانشناسی ۲۰، سال پنجم، شماره ۴، صص ۳۳۱-۳۴۴.
- ریو، جان مارشال. (۱۳۸۲). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
- صفاری، راحله. (۱۳۸۵). مقایسه سطح هیجان‌خواهی و افسردگی نوجوانان دختر ساکن مراکز شبانه روزی با نوجوانان دختر غیر شبانه‌روزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- عطاری، یوسفعلی؛ نیسی، عبدالکاسم؛ یوسفی، ناصر؛ نبوی حصار، جمیله. (۱۳۸۳). مقایسه سرسختی روانشناختی، هیجان‌خواهی و سنخ شخصیتی الف غیرسمی و سمی در بین مردان و زنان مبتلا به سرطان و افراد عادی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال یازدهم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- علی‌پور، احمد. (۱۳۸۴). ارتباط جهت‌گیری‌های مذهبی با حرمت خود و شاد زیستی. مجله علوم روانشناختی، دوره چهارم، ۱۶، صص ۳۲۳-۳۳۷.
- فیروزی، محمدرضا. (۱۳۸۵). بررسی ترس‌های رایج، شدت و شیوع آن در میان دانشجویان دانشگاه یاسوج. مجموعه مقالات سومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، ۳ و ۴ خرداد ۸۵، تهران.
- کجباف، محمدباقر؛ نشاط دوست، حمیدطاهر؛ خالوئی، قاسم. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، شماره ۱۰، صص ۷۸-۶۹.
- گله‌دار، نسرین؛ ساکی، ماندانا. (۱۳۸۰). تأثیر آوای قرآن بر کاهش اضطراب پیش از آزمون دانشجویان. چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران.
- گودرزی، محمد علی؛ شیرازی، ملیحه. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین تحریک‌جویی و رفتار رانندگی پرخطر. مجله روانشناسی ۳۳، سال نهم، شماره ۱، صص ۳۴-۵۰.
- محمدپور، احمدرضا. (۱۳۸۵). وکتور فرکل بین‌نگار معنادرمانی. تهران: نشر دانژه.
- محمدی، سید داوود؛ مهربابی‌زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). ارتباط نگرش مذهبی با مکان کنترل و نقش جنسیت. پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۹، شماره ۳ و ۴، صص ۴۷-۵۶.
- مختاری، عباس؛ اللهیاری، عباسعلی؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۸۰). رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی با میزان تنیدگی. مجله روانشناسی ۱۷، صص ۵۶-۶۷.
- میرهاشمیان، حمیرا. (۱۳۷۸). تأثیر اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری مکان کنترل و نیمرخ روانی دانشجویان

- American Psychiatry Association. (2000). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder: Forth Edition, Text Revision*. Washington, DC: Author.
- Ardelt, M. (2003). Effects of religion and purpose in life on elders subjective well-being and attitudes toward death. *Journal of Religious Gerontology, 14(4)*, 55-65.
- Bamber, J. H. (1974). The fear of adolescents. *Journal of Genetic Psychology, 125*, 127-140.
- Boomsma, D. I.; Geus, E.; Ball, G. V.; & Koopmans, J. R. (1999). A religious upbringing reduces the influence of genetic factors on disinhibition: Evidence for interaction between genotype and environment on personality. *Twin Research, 2*, 115-125.
- Comstock, G. W.; & Partidge, K. B. (1972). Church attendance and health. *Journal of Chronic Diseases, 25*, 665-672.
- Donahue, M. J. (1985). Intrinsic and extrinsic religiousness: Review and metaanalysis. *Journal of Personality and Social Psychology, 48*.
- Duriez, B.; Soenens, B.; & Beyers, W. (2004). Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality, 72(5)*, 877-883.
- Egan, E.; Kroll, J.; Carey, K.; Johnson, M.; & Erickson, P. (2003). Eysenck Personality Scales and religiosity in a US outpatient sample. *Personality and Individual Differences, 37*, 1023-1031.
- Ghorbani, N.; Watson, P. J.; Framar Gharamaleki, A.; Morrise, R. J.; & Hood, Jr. R. W. (2000). Muslim attitudes toward Religion Scale: Factors, validity and complexity of relationships with mental health in Iran. *Mental Health, Religion & Culture, 3(2)*, 125-132.
- Herek, G. M. (1987). Religious orientation and prejudice: A comparison of racial sexual attitudes. *Personality and Social Psychology Bulletin, 13(1)*, 34-44.
- Huntely, C.; & Peeters, T. (2005). *Religious beliefs and personality*. April 30, 2006, from [Http: www.ethesis.net/paranormal-content.htm-33k](http://www.ethesis.net/paranormal-content.htm-33k).
- Lewis, C. A.; & Maltby, J. (1995). Religious attitude and practice: The relationship with obsessionality. *Personality and Individual Differences, 19*, 105-108.
- McIntash, D. N.; Sillver, R. C.; & Wortman, C. B. (1993). Religious role in adjustment to a negative life event: Coping with the lost of a child. *Journal for the Scientific Study of Religion, 30*.
- Park, C.; Cohen, L. M.; & Herb, L. (1990). Intrinsic religiousness and religious coping as life stress

- moderators for catholics versus protestants. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 562-574.
- Pierce, K. A.; & Kirkpatrick, D. R. (1992). Do men lie on fear survey? *Behavior Research and Therapy*, 30, 415-418.
- Plouffe, L. (1986). Sensation seeking and the electrodermal orienting response in young and elderly females. *Personality and Individual Differences*, 17 (1), 119-120.
- Roccas, S. (2005). Religion and value systems. *Journal of Social Issues*, 61 (4), 747-759.
- Roff, L. L.; Butkerviciene, R.; & Klemmack, D. L. (2002). Death anxiety and religiosity among Lithuanian health and social service professionals. *Death Studies*, 26, 731-742.
- Saroglou, V.; Delpierre, V.; & Dernel, R. (2004). Values and religiosity: A analysis of studies using Schwartz's model. *Personality and Individual Differences*, 35, 721-734.
- Templer, D. I. (1970). The construction and validation of a Death Anxiety Scale. *Journal of General Psychology*, 82, 165-177.
- Wagner, M. K. (2001). Behavioral characteristics related to substance abuse and risktaking, sensationseeking, anxiety sensitivity, and self-reinforcement. *Addictive Behaviors*, 26, 115-120.
- Wink, P.; & Scott, J. (2005). Does religiousness buffer against the fear of death and daying in late adulthood? Finding from a longitudinal study. *Journal of Gerontology: Psychological Sciences*, 60 (4), 207-214.
- Zuckerman, M.; & Neeb, M. (1980). Demographic influences in sensation seeking and expressions of sensation-seeking in religion, smoking and driving habits. *Personality and Individual Differences* 1,3, 197-206.
- Zuckerman, M. (1979). *Sensation seeking. Beyond the optimal level of arousal*. Hillsdale. Lawrence Erlbaum.